

## شناسایی عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی در زنان

امید افشاری کاشانیان<sup>۱</sup>، کیانوش زهراکار<sup>۲</sup>، فرشاد محسن‌زاده<sup>۳</sup>، عزیزالله تاجیک اسماعیلی<sup>۴</sup>

### چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۲

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف واکاوی علل خیانت زناشویی زنان انجام شد. **روش:** رویکرد مورد مطالعه در این پژوهش کیفی بود. تعداد ۱۷ زن که تجربه خیانت زناشویی و تمایل به همکاری با پژوهشگر را داشتند با شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. این افراد با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاری به صورت عمیق مورد بررسی قرار گرفتند. برای تبیین و تحلیل داده‌ها از رویکرد داده بنیاد استفاده شد. **یافته‌ها:** بعد از تحلیل داده‌ها، سه مقوله عمده در مورد علل خیانت زناشویی زنان یافت شد. علل زمینه‌ساز خیانت زناشویی شامل کسالت بار شدن زندگی بعد از کشف یکدیگر، ضعف‌های ذاتی ازدواج، آسیب‌پذیری در زمان سرکوفته شدن نیاز جنسی یا عاطفی، تحول جامعه، علل نگهدارنده خیانت شامل تمایل به تجربه کردن هیجان، سلب مسئولیت رفتار خود و تاکید بر ویژگی‌های همسر، کسب خلاقیت بسیار در بدست آوردن زمان برای رابطه و پنهان کردن آن، کسب شجاعت به خاطر کشف ویژگی‌های جدید در خود و پاسخ به خیانت شامل میل به طلاق، ترمیم آشیانه، تحمل فشار روانی. **نتیجه‌گیری:** برای پیشگیری از خیانت زناشویی، آموزش‌های خانواده و غنی‌سازی‌های روابط پیش از ازدواج باید این مقوله‌ها را مد نظر قرار داد. **کلیدواژه‌ها:** خیانت زناشویی، زنان، علل خیانت

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. [omidezendegi.1972@yahoo.com](mailto:omidezendegi.1972@yahoo.com)

۲. نویسنده مسئول، دکتری تخصصی مشاوره، دانشیار گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. [dr\\_zahrakar@yahoo.com](mailto:dr_zahrakar@yahoo.com)  
[farshadm56@gmail.com](mailto:farshadm56@gmail.com)

۴. دکتری تخصصی مشاوره، استادیار، گروه مشاوره دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. [tajikasmaeili@gmail.com](mailto:tajikasmaeili@gmail.com)

## مقدمه

آدلر<sup>۱</sup> (۱۹۲۷) یکی از تکالیف اصلی زندگی را عشق ورزی می دانست، در واقع آدلر به دلیل اینکه رابطه زناشویی سنگ بنای اولیه رابطه خانوادگی و تربیت نسل آینده است، از اهمیت احترام متقابل و همکاری برای ارضای نیازهای همسران در زندگی آگاه بوده و به آن تاکید می کرد (بریتزمن، و ساورهربر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). پژوهش های مختلف نیز به این امر اشاره می کنند که ازدواج موفق موجب می شود افراد شادتر، سالم تر و با نشاط تر زندگی کنند (اوسلاندر و رزنتال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ جزایری و شریفی، ۱۳۹۰). در چنین رابطه ای است که امید ایجاد احساس تعلق وجود دارد و تعهد و وفاداری حاصل از آن احساس امنیت و ثبات به ارمغان می آورد (ویکز، گامبرسیا، و جنکینز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ سونس، و لایفبروئر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸).

اگرچه ازدواج فرصت تجارب رشدی مانند مصاحبت، تعامل باز و حمایت را فراهم می کند اما همواره اینچنین نیست (کیلاوی، فتحی، دادرس، دانشپور، علمی، التالیب<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷)، و با اینکه اکثریت قریب به اتفاق اعضای جامعه انتظار دارند که افراد در روابط متعهدانه از نظر جنسی و عاطفی وفادار باشند (تریس و جیسن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰؛ ویدرمن و الگییر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۶؛ آلن، اتکینز، باکوم، اسنایدز، گوردون و گلاس<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵؛ جانسون، استنلی، گلن، آماتو، نوک، مارکمن و دیون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲)، اما این نگرش باعث نمی شود که افراد در محدوده ازدواج دست به فریبکاری نزنند (پلوسو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۷، ترجمه باران اولادی، ربیعی، و کاوه، ۱۳۹۵).

1. Adler, A.

2. Britzman, M. J., & Sauerheber, J. D.

3. Auslander, B. A., & Rosenthal, S. L.

4. Weeks, G. R., Gambescia, N. & Jenkins R. E.

5. Soons, J. P., & Liefbroer, A. C.

6. Killawi, A., Fathi, E., Dadras, I., Daneshpour, M., Elmi, A., & Altalib, H.

7. Treas, J., & Giesen, D.

8. Wiederman, M. W., & Allgeier, E. R.

9. Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P.

10. Johnson, C. A., Stanley, S. M., Glenn, N. D., Amato, P. R., Nock, S. L., Markman, H. J. & Dion, M.R.

11. Plosos.

هر چند تفاوت‌های آماری اندازه اثر اندکی را نشان می‌دهد اما شواهدی وجود دارد که مردان و زنان به شیوه‌های متعددی در مورد روابط فکرمی‌کنند، (پترسون و هید<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). از همین روی یکی از فاکتورهایی که در پیش‌بینی روابط فرازنشویی به صورت گسترده مورد بررسی قرار گرفته جنسیت است (اتکینز، باکوم، و جانسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ گرلی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۴). پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که به صورت سنتی مردان بیش از زنان درگیر خیانت زناشویی<sup>۴</sup> می‌شوند (اسمیت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). با اینکه پژوهش‌ها قویا تاکید دارند که مردان بیش از زنان درگیر روابط فرازنشویی می‌شوند (آلن و باکوم<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴؛ اتکینز، و همکاران، ۲۰۰۱). اما پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهد که با گسترش خیانت زناشویی، شکاف جنسیتی در حال تنگ‌تر شدن است (لو، کارتون، اسناید<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ مارک، جانسن، میلهاوسن<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱)، و میزان خیانت زناشویی مردان و زنان جوان به صورت فزاینده‌ای در حال نزدیک شدن به یکدیگر است (مانش<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲). نتایج پژوهش‌ها هم این مسئله را تایید می‌کند و نشان می‌دهد خیانت زناشویی زنان در گذر زمان افزایش یافته است. به عنوان مثال گلاس و رایت<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۲) در پژوهش خود پی بردند که ۲۵ درصد از زنان حداقل یک تجربه رابطه فرازنشویی داشتند، و برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین ۲۰ تا ۵۰ درصد زنان در طول ازدواجشان درگیر رابطه پنهانی بودند (آلن، دانکومب، هریسون، و مارسدن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵). اما در ایران آماری در این زمینه وجود ندارد، و محدود پژوهش‌هایی هم که در این زمینه صورت گرفته، اشاره‌ای به میزان شیوع آن نداشتند (رفیعی، حاتمی،

1. Petersen, J. L., & Hyde, J. S.
2. Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S.
3. Greeley, A.
4. Infidelity.
5. Smith, T.
6. Allen, E. S., & Baucom, D. H.
7. Luo, S., Cartun, M. A., & Snider, A. G.
8. Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R.
9. Munsch, C. L.
10. Glass, S. P., & Wright, T. L.
11. Allen, G., Duncombe, J., Harrison, K., & Marsden, D.

و فروغی، ۱۳۹۰؛ حبیبی عسکرآباد و حاجی حیدری، ۱۳۹۴؛ مصری پور، اعتمادی، احمدی و جزایری، ۲۰۱۶).

در همین راستا نتایج پژوهش بر روی یک نمونه آمریکایی، نشان داده است که ۴۹ درصد زنان گاهی درصدد قاپیدن<sup>۱</sup> فرد دیگری برای برقراری روابط کوتاه مدت بودند؛ ۸۱ درصد زنان گزارش کردند که گاهی اوقات افرادی برای ایجاد روابط طولانی مدت سعی در قاپیدن آنها داشتند؛ ۴۹ درصد زنان گفتند که گاهی در این تلاش موفق بودند (باس و اشمیت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). هرچند دلایل قطعی برای خیانت زناشویی یافت نشده است، اما گلاس و رایت (۱۹۸۸) انتقام از همسر، فرار از کسالت، کسب احترام و شناخت، احساس جوانی، احساس درک شدن، تجربه همنشینی، ارتقا اعتماد به نفس و عزت نفس، و تحریک ذهنی را علل خیانت زناشویی می‌داند. همچنین جینفریو<sup>۳</sup> (۲۰۰۹) در یک پژوهش کیفی نشان داد که زنان به دلیل ناتوانی در حل تعارض با همسرانشان، فقدان دریافت توجه کافی از سوی همسران، جذابیت‌های خیانت زناشویی، داشتن یک دوست، دریافت حمایت از جانب خانواده و دوستان، و در نهایت توجه مثبت، درگیر خیانت زناشویی می‌شوند.

همچنین یکی از عواملی که به عنوان میانجی در وقوع خیانت زناشویی دخالت دارد، رضایت از روابط اولیه است. تقریباً ۷۰ درصد از افرادی که درگیر خیانت زناشویی می‌شوند دلیل این کار خود را مشکلات زناشویی عنوان می‌کنند (اسپانیرو و مارگولیس<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳). در پژوهش دیگری مردان و زنانی که درگیر روابط پنهانی بودند در میزان ناخرسندی از ازدواج خود، با هم تفاوت داشتند. تقریباً دو سوم زنان قبل از ایجاد روابط پنهانی از ازدواج خود ناراضی بودند در حالی که فقط ۳۰ درصد از مردان از ازدواجشان ناراضی بودند (گلاس و رایت، ۱۹۹۲)، بنابراین خیانت زناشویی با رضایت زناشویی

1. Poaching.

2. Buss, D. M., & Schmitt, D. P.

3. Jeanfreau, M. M.

4. Spanier, G. B., & Margolis, R. L.

اندک در زنان (بلوو هارتنت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) مرتبط است. پژوهش‌های دیگری هم خاطر نشان می‌کنند که تعارض (مانش، ۲۰۱۰)، و نارضایتی زناشویی (مارک و همکاران، ۲۰۱۱)، به احتمال زیاد با وقوع خیانت زناشویی در ارتباط است. وقتی زنان احساس تنهایی و نادیده گرفته شدن می‌کنند اقدام به فریبکاری و ورود به رابطه فرزند زناشویی می‌کنند (موریسون، گوروگ، اسنار<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹). بنابراین برخوردهای جنسی خارج از ازدواج برای آنها به معنای فروریختن عواطف است (میلت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰).

به طور کلی، خیانت زناشویی بیشتر در میان افرادی رخ می‌دهد که ازدواج خود را به صورتی منفی ارزیابی می‌کنند و کیفیت و فراوانی معاشقه‌های زناشویی آنها اندک است (پرینز، بوک، و ون پیرین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱). مطالعات بسیاری نشان دادند که کیفیت پایین رابطه زناشویی با افزایش احتمال خیانت زناشویی (بلوو هارتنت، ۲۰۰۵)، و خطر ایجاد افسردگی و دیگر اختلالات روانی همراه است (ویسمن و بروس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). این موارد با تجربه وقایعی مانند فقدان، تحقیر و فریب که از منزلت فرد می‌کاهند در ارتباط است (کانو و اولری<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰). قبل از خیانت زناشویی، نسبت به رابطه زناشویی تردیدهایی وجود دارد، و بعد از خیانت زناشویی کیفیت رابطه زناشویی بدتر می‌شود (پریویتی، و آماتو<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). مشکلات زناشویی منجر به فرسایش تعهد شده، و قدرت پذیرش و نگرستن به جایگزین‌ها را افزایش می‌دهد. بنابراین مشکلات زناشویی یکی از موضوعات قابل قبول برای توجیه خیانت زناشویی محسوب می‌شوند (آلن، رواو همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸).

سوال در مورد مطلوبیت، جذابیت و کفایت جنسی ممکن است سبب شود برخی از زنان میانسال و یائسه به جستجوی اثبات و تائید ارزش و جذابیت خودشان از طریق یک

1. Blow, A. & Hartnett, K.
2. Morrison, L., Guruge, S., & Snarr, K. A.
3. Millet, K.
4. Prins, K. S., Buunk, B. P., & Van Yperen, N. W.
5. Whisman, M. A., & Bruce, M. L.
6. Cano, A. & O'leary, K.D.
7. Previti, D., & Amato, P. R.
8. Allen, E. S. & et al.

رابطه نامشروع پیردازند (باگاروزی، ۲۰۰۷). علاوه بر این برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد در روابطی که زنان در سال اول زندگی درگیر خیانت می‌شوند، ارتباط زوجین به شدت منفی است و زوجین به صورت متقابل دست به تحقیر یکدیگر می‌زنند (آلن، و همکاران، ۲۰۰۸). موفاسا، موتادوا، نیامایارو<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) از عوامل دیگری یاد می‌کنند که زنان را به سمت خیانت زناشویی سوق می‌دهد این عوامل عبارتند از فقدان اعتماد، فقدان توجه، نادیده گرفته شدن و شکست در لذت بردن از رابطه جنسی. علاوه بر این زنان برای دریافت حمایت‌های مالی نیز درگیر خیانت می‌شوند (کروگر، فیشر، ادلستین، فیتزجرالد، و استرود<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). البته خیانت به هر دلیلی که روی بدهد، درگیر شدن در این روابط در سطوح فردی، اجتماعی و زناشویی اثرات نامطلوبی را بر ازدواج تحمیل می‌کنند (آماتو و راجرز<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ چارنی و پاناس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵؛ گوردون و باکوم، ۱۹۹۹؛ گوردون، و همکاران، ۲۰۰۴).

در پژوهشی که حبیبی و همکاران (۱۳۹۴) در شهر شیراز انجام دادند عوامل خیانت زناشویی را در سه دسته مسائل بین فردی، رابطه‌ای و مسائل مربوط به جامعه دسته‌بندی شده است. علاوه بر این مصری پورو همکاران (۲۰۱۶) در بررسی علل خیانت زناشویی زنان در شهر اصفهان این عوامل را در سه دسته عوامل بین فردی، تعارض زناشویی و مسائل جنسی قرار می‌دهند. باید خاطر نشان کرد علی‌رغم دسته‌بندی‌های متفاوتی مانند عوامل بیرونی، فرهنگی و ارتباطی این فاکتورها اغلب در تعامل با یکدیگر قرار دارند. بدین معنا که فاکتورهای فردی بر روی روابط تأثیر می‌گذارند و روابط بر روی فاکتورهای فردی مانند احساس بهزیستی فرد تأثیر می‌گذارند (دوبا و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸)، و هر یک از این فاکتورها به گونه‌ای متفاوت بر روی افراد اثر می‌گذارد، مثلاً مسائل جنسی

1. Maphosa, S., Mutandwa, P., & Nyamayaro, A. T.
2. Kröger, C., Reißner, T., Vasterling, I., Schütz, K., & Kliem, S.
3. Amato, P. R., & Rogers, S. J.
4. Charny, I. W., & Parnass, S.
5. Duba, J. D.

بیشتر مردان و مسائل عاطفی بیشتر زنان را مستعد خیانت زناشویی می‌سازد (دوبا و همکاران، ۲۰۰۸).

در ایران پژوهش‌های چندانی در مورد علل خیانت زناشویی صورت نگرفته است و محدود پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مربوط به چند سال اخیر می‌باشند، که عمدتاً آزمایشی و همبستگی هستند (حیدری، فاتحی زاده، اعتمادی، ۱۳۸۸؛ زندگی پور، شفیعی نیا، حسینی، ۱۳۸۷، نوایی و محمدی آریا، ۱۳۹۴). هرچند پژوهش کیفی مصری پورو همکاران (۲۰۱۶) به این مسئله پرداخته است، اما به نظر می‌رسد برای نتیجه‌گیری در این زمینه به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. ضمن اینکه افراد براساس خرده فرهنگ‌ها که در آن زندگی می‌کنند ممکن است دلایل ویژه‌ای برای خیانت داشته باشند. بنابراین این پژوهش ضمن گسترش دادن یافته‌های پژوهش‌های پیشین به به اعتبار بخشیدن به یافته‌های آنها هم توجه دارد.

پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور هم در محیط‌هایی با بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت از ایران صورت گرفته است که چندان قابل تعمیم به جامعه ما نیست. علاوه بر این در کشور ما هم به دلیل تنوع فرهنگی ممکن است افراد در بافت خرده فرهنگ‌های خاص دلایل ویژه‌ای برای خیانت زناشویی داشته باشند. بنابراین در این پژوهش سعی بر آن شده تا علل خیانت زناشویی زنان مورد بررسی قرار گیرد.

## روش

روش مورد استفاده در این پژوهش کیفی بود. هدف پژوهش کیفی درک فرایندهای اجتماعی در بافت آنها و همچنین درک معنایی است که این رویدادها برای افراد دارند (استربرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). در این مطالعه الگوها و مسائلی که به وسیله افراد درگیر در خیانت زناشویی تجربه شده، شناسایی شده است. این روش به درون تجربه افراد وارد شده و

1. Esterberg, K. G.

اقدام به اخذ نحوه ادراک، توصیف، احساس، قضاوت، خاطرات، و گفتگوی افراد با دیگران می‌کند. در این روش عناصر اساسی تجربه مشترک افراد شناسایی می‌شود. رویکرد کیفی که در پژوهش فعلی مورد استفاده قرار گرفت رویکرد داده بنیاد یا نظریه زمینه‌ای بود. نظریه زمینه‌ای از جمله روش‌های پژوهش کیفی است که به کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی می‌پردازد که به طور منظم در فرایند پژوهش بدست می‌آیند (محمد پور، ۱۳۹۲). استفاده از نظریه زمینه‌ای زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد پژوهش وجود دارد و یا اینکه در پژوهش‌ها صورت گرفته در ارتباط با موضوع فقدان یک چارچوب نظری که به صورت جامع به تبیین مسئله بپردازد مشهود است (محمد پور، ۱۳۹۲). این نظریه به سبب اینکه از داده‌ها بیرون کشیده می‌شود، بیشتر می‌تواند بصیرت افزا باشد و فهم را تقویت کند و راهنمای عمل باشد (استراوس و کرین، ۱۹۹۰، ترجمه افشار، ۱۳۹۰).

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش کلیه زنانی را شامل می‌شد که به سبب مشکل خیانت زناشویی در سال ۹۶-۹۵ به مراکز مشاوره در شهر تهران مراجعه کرده بودند. در مطالعه فعلی حجم مشارکت کنندگان ۱۷ زن متاهل بود، که تجربه خیانت زناشویی را داشتند، این افراد دارای ملاک‌های زیر بوده‌ند: (۱) زن، (۲) داشتن رابطه فرازناشویی، (۳) دوام داشتن رابطه فرازناشویی بیش از یک شب، (۴) داشتن رابطه طولانی حداقل به مدت ۱ ماه با فرد سوم. از این افراد خواسته شده تا اطلاعات مربوط تجربه خیانت زناشویی خود را به یاد بیاورند. ویژگی‌های دموگرافیک مشارکت کنندگان در جدول ۱ گزارش شده است.

### ابزار پژوهش

جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاری صورت گرفت. در ابتدای شروع هر مصاحبه در خصوص محرمانه بودن اطلاعات اطلاع‌رسانی



شد. در مصاحبه پاسخ درست و غلطی وجود نداشت، و هر زمان که مشارکت-کنندگان می‌خواستند، حق پایان دادن به مصاحبه را داشتند. به موازات فرایند مصاحبه، یافته‌ها تحلیل می‌شده و تعداد جلسات تا اشیاع مقوله‌ها ادامه داشته است. همینطور که با هر یک از مشارکت‌کنندگان مصاحبه می‌شد، صداهای ضبط شده و محتوای مصاحبه‌ها به صورت متن‌های نوشتاری در می‌آمد. به صورت منظم هر ایده یا مقوله‌ای که مشخص می‌شد، کد گذاری می‌شد. سوالات مصاحبه بر روی زمینه‌های ارتباطی و پویایی‌های زوجین، رابطه فرزندناشویی، رابطه با خانواده و دوستان، استرس‌های زندگی در زمان ملاقات فرد سوم، افکار و برداشت‌های افراد در زمان رابطه پنهانی متمرکز بود.

جدول ۱. ویژگی‌های دموگرافیک زنان مشارکت‌کننده در پژوهش

مشارکت‌کننده	سن	سن ازدواج	مدت رابطه	نوع رابطه	تعداد روابط	فرزندان
مشارکت‌کننده اول	۲۹	۲۷	۱سال	جنسی عاطفی	۲	۰
مشارکت‌کننده دوم	۳۰	۲۵	نامعلوم	جنسی عاطفی	۲	۰
مشارکت‌کننده سوم	۳۰	۲۵	۳سال	جنسی عاطفی	۲	۰
مشارکت‌کننده چهارم	۳۳	۲۰	۴سال	جنسی عاطفی	۱	۰
مشارکت‌کننده پنجم	۳۱	۲۵	۲سال	جنسی عاطفی	۱	۰
مشارکت‌کننده ششم	۴۴	۳۳	۶سال	جنسی عاطفی	۴	۱
مشارکت‌کننده هفتم	۳۹	۲۵	۵سال	جنسی عاطفی	۴	۰
مشارکت‌کننده هشتم	۳۲	۲۷	۳سال	عاطفی جنسی	۲	۰

مشارکت‌کننده	سن	سن ازدواج	مدت رابطه	نوع رابطه	تعداد روابط	فرزندان
مشارکت‌کننده نهم	۳۲	۱۸	نامعلوم	جنسی عاطفی	۱	۲
مشارکت‌کننده دهم	۳۲	۲۰	نامعلوم	عاطفی	۱	۱
مشارکت‌کننده یازدهم	۳۹	۲۵	نامعلوم	جنسی عاطفی	۴	۱
مشارکت‌کننده دوازدهم	۲۷	۱۶	۶ ماه	جنسی عاطفی	۲	۱
*مشارکت‌کننده سیزدهم	۳۹	۲۳	۶ سال	جنسی عاطفی	۱۲	۲
مشارکت‌کننده چهاردهم	۳۳	۳۰	۲ سال	جنسی عاطفی	۱	۰
مشارکت‌کننده پانزدهم	۴۲	۲۲	۴ سال	جنسی عاطفی	۱	۱
مشارکت‌کننده شانزدهم	۳۰	۱۹	۱۰ سال	جنسی عاطفی	۲	۰
مشارکت‌کننده هفدهم	۴۲	۲۲	۱۲ سال	جنسی عاطفی	۱	۱

□ یکی از روابط را با برادر همسرش ایجاد کرده است

### شیوه جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

از بین افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره که مشکل فعلی آنها خیانت زناشویی بود، پژوهشگر ابتدا با اخذ رضایت آگاهانه و شفاهی با افراد داوطلب همکاری مصاحبه کرد، از آنجایی که این افراد حاضر به همکاری با پژوهشگر بودند، به پژوهشگر اجازه ضبط مصاحبه را دادند. حفظ موضع بی‌طرفی مورد توافق طرفین بود. مصاحبه برای هر نفر تقریباً ۴۵ دقیقه تا یک ساعت و نیم به طول انجامید. اما مصاحبه یکی از افراد تا دو

ساعت و بیست دقیقه ادامه طول کشید. بعد از پرسیدن سوالات جمعیت شناختی مصاحبه با سوال کلی «چی شد که ازدواج شما به اینجا رسید» آغاز می‌شد. و بدین ترتیب سوالات با توجه به روند مصاحبه و شرایط مشارکت کنندگان محدود و یا گسترش می‌یافتند. از مشارکت کنندگان خواسته می‌شد تا به توضیح مسیر زندگی خود از زمان آشنایی تا زمان حال بپردازند. همه مصاحبه‌ها در کنار خلاصه جلسات ثبت شد. برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات به هریک از اطلاعات یک کد اختصاص یافت. همه موارد مصاحبه از قبیل دست نوشته‌ها و فایل‌های صوتی در محل امنی نگاه داری شد. در فهرست اصلی به هریک از افراد یک کد اختصاص داده شد. ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد براساس این کدها گزارش شدند.

روش مورد استفاده برای کدگذاری داده‌ها گام‌های پیشنهادی استرواس و کوربین بود (استرواس و کوربین، ۱۹۹۰، ترجمه افشار، ۱۳۹۰). استرواس و کوربین از سه گام در تحلیل داده‌ها یاد می‌کنند: (۱) کدگذاری باز، (۲) کدگذاری گزینشی، (۳) و کدگذاری محوری. کدگذاری باز از بسیاری از جهات قلب نظریه داده بنیاد است (بازرگان، ۱۳۸۹). در این پژوهش برای کدگذاری متن از تحلیل جمله و پاراگراف کامل استفاده شده است. در جریان کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا، خرد شده و با دقت مورد بررسی قرار گرفت و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه و دسته بندی شدند. کدگذاری باز در قالب دو مرحله اصلی یعنی کدگذاری اولیه<sup>۱</sup> و کدگذاری متمرکز<sup>۲</sup> (مقوله‌های عمده / مقوله) انجام شده است (استرواس و کوربین، ۱۹۹۰، ترجمه افشار، ۱۳۹۰؛ محمد پور، ۱۳۹۲؛ اولمستد، بلیک و میلز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

کدگذاری محوری در واقع به مرتبط کردن مقوله‌ها با زیر مقوله‌ها در راستای ویژگی‌ها و ابعاد آنها اقدام شده است. در این مرحله از تحلیل داده‌ها به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با

1. Level 1 Coding.  
2. Focused Coding.  
3. Olmstead, Blick, & Mills.

یکدیگر و نحوه اتصال آنها توجه شده است. این کار برای عمق و ساختار بخشیدن به مقولات انجام شده است (بازرگان، ۱۳۸۹؛ محمد پور، ۱۳۹۲). این گام برای پژوهشگران اهمیت داشته است زیرا در طول آن نظریه‌سازی صورت می‌گیرد. در این گام صرف یافتن شرایط، تعامل‌ها و پیامدها کافی نیست و بلکه کشف راه‌های ارتباط آنها با یکدیگر اهمیت دارد (اولمستد، بلک و میلز، ۲۰۰۹؛ استراوس و کربین، ۱۹۹۰، ترجمه افشار، ۱۳۹۰). در این مرحله خیانت زناشویی به عنوان مقوله محوری انتخاب شد. به دلیل اینکه این مقوله در تمامی مصاحبه‌ها مورد اشاره قرار گرفت و توانایی جذب و یکپارچه سازی دیگر مقولات را داشت.

کدگذاری گزینشی فرآیند یکپارچه سازی و پالایش نظریه است. در یکپارچه سازی، مقوله‌ها در حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح دهنده‌گی دارد، مرتب می‌شوند (استراوس و کربین، ۱۹۹۰، ترجمه افشار، ۱۳۹۰). فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود بخشی نظریه در مرحله کدگذاری انتخابی، از طریق نگارش خط داستان<sup>۱</sup> که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند، صورت می‌گیرد. در یک خط داستان، پژوهشگر بررسی می‌کند که چگونه عوامل مخصوص، بر پدیده اثر می‌گذارد و منجر به استفاده از راهبردهای خاص با خروجی‌های ویژه می‌شود. به عبارتی کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله مرکزی (هسته) را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد و آن روابط را اثبات می‌کند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶). مقوله هسته به دو صورت انتخاب می‌شود: در صورت اول، محقق ممکن است یکی از مقوله‌های موجود را گزینش نماید و در صورت دوم، وی باید نسبت به تعیین و ساخت آن اقدام نماید (استراوس و کربین، ۱۹۹۰، ترجمه افشار، ۱۳۹۰؛ به نقل از اولمستد، بلک و میلز، ۲۰۰۹).

1. Story Line.  
2. Central Category.

## اعتبار پژوهش

اعتبار در واقع به شباهت بین آنچه که شرکت‌کننده‌ها تلاش می‌کنند انتقال دهند و به چگونگی تفسیر پژوهشگر از گفته‌های مشارکت‌کنندگان اشاره دارد. برای بررسی اعتبار پژوهش فعلی، پژوهشگر در طول مصاحبه سؤالاتی پرسیده تا مطمئن شود آیا آنچه از پیام مشارکت‌کننده برداشت کرده با آنچه که خود مشارکت‌کننده نقل می‌کنند، یکی است یا خیر، به عبارت دیگر آیا هر دو درک یکسانی از معانی دارند بنابراین در طول مصاحبه‌ها چنانچه که برداشت از موضوع و یا پیامی متفاوت از منظور و پیام شرکت‌کننده‌ها بود، این مسئله با مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته می‌شد و از آنها سوال می‌شد که آیا تفسیری که پژوهشگر از پیام آنها داشته است، صحیح بوده است یا خیر. بررسی اعتبار پژوهش حین مصاحبه به این دلیل صورت گرفته است که در مورد حساسی مانند خیانت زناشویی، همواره امکان تماس مجدد با مشارکت‌کنندگان وجود ندارد، زیرا ممکن است باعث نقض اصول اخلاقی مرتبط با حقوق مشارکت‌کنندگان در پژوهش شود. همچنین پژوهشگر بعد از یافتن رویدادهای مهم در مورد این رویدادها با همکاران بحث کرد. این گفتگو به منظور یافتن تفسیرهای نادرست و سوگیری‌های پژوهشگر بوده است. بعد از یافتن کدهایی که در آنها اجماع وجود داشت با استفاده از مثلث‌سازی محقق کدها را در اختیار دو متخصص که در زمینه پژوهش کیفی تجربه داشتند قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا متن را مجدداً کدگذاری نمایند. مثلث‌سازی محقق در واقع بکارگرفتن بیش از یک پژوهشگر در تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها است (طباطبایی، حسنی، مرتضوی، طباطبایی چهر، ۱۳۹۲). بدین ترتیب کدهایی در گزارش نهایی لحاظ شد که از بیشترین اجماع برخوردار بودند.

## یافته‌ها

در جدول ۲ کدهای یافت شده در کدگذاری به همراه شماره مصاحبه‌ها گزارش شده

است. در مجموع در پژوهش فعلی در کد گذاری سطح اول ۳۷۶ کد، در کد گذاری سطح دوم ۸۳ کد یافت شد، که این کدها در نهایت به ۲۳ مفهوم، ۱۱ مقوله فرعی و ۳ مقوله عمده کاهش داده شدند.

جدول ۲. کدگذاری سطح ثانویه و مقولات عمده

طبقات	مقولات	مفاهیم	کدگذاری ثانویه
زمینه‌ساز خیانت	کسالت بار شدن زندگی بعد از کشف یکدیگر	جستجوی تماس	اثبات جذابیت بعد از میانسالی (۱۱) جذابیت‌های بدنی طرف مقابل (۱۵، ۵، ۲، ۱۰، ۷، ۱۱، ۱۲)
		فاصله گرفتن همسران	غفلت همسر (۱، ۱۰، ۴، ۱۵) - غیبت‌های طولانی همسر (۱، ۷، ۴) انتقام از همسر (۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۲)
		کسالت زناشویی	کاستی‌های رابطه اصلی (۵، ۱۴، ۲، ۴، ۱۰، ۶، ۹، ۱۷، ۷، ۱۱، ۱)، کسالت بار شدن رابطه اصلی (۹، ۱۱)، ارضای نیازهای نادیده گرفته شده در رابطه اصلی (۱۵، ۵، ۴، ۲، ۱۰، ۱۶، ۱)
		مشکلات ارتباطی	عدم پاسخگویی عاطفی همسر (۵، ۱۳، ۹، ۱۷، ۱۱، ۱)، فقدان مهارت‌های گفتگو کردن (۱۵، ۵)
	ضعف‌های ذاتی ازدواج	ضعف تعهد	تفاوت‌های شخصیتی فاحش (۱۵، ۵، ۱۷، ۴، ۱۳)، ازدواج اجباری (۱۰)
		کسالت جنسی بی کفایتی جنسی	کاهش کمیت رابطه جنسی (۵، ۴، ۱۳)، کاهش جذابیت‌های جنسی در روابط (۱، ۸، ۷)، عدم گفتگو در رابطه با مسائل جنسی (۱)، عدم توجه به نیازهای همسر در روابط جنسی (۱، ۱۰)
			بدکارکردی‌های جنسی
	تحول جامعه	الگوهای نامناسب	وجود دوستان و یا اعضای در خانواده که تجربه خیانت داشت (۲، ۱۰، ۱۳، ۱)
		آمادگی قبلی	تجربه روابط قبل از ازدواج (۲، ۱۰)، نگرش سهل‌گیرانه قبل از رابطه (۵، ۲، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۹، ۷، ۱۱، ۱۲)

طبقات	مقولات	مفاهیم	کدگذاری ثانویه
		تحول جامعه	تحول جامعه (۱، ۱۰، ۳)
		مذهب	سست بودن نگرش‌های مذهبی (۱۴، ۱۰، ۲۶، ۷)
	تمایل به تجربه کردن هیجان	تجربه جویی	تمایل به کشف طرف مقابل (۲)، هیجان خواهی (۱، ۲)، ارضای نیاز به تفریح (۱، ۶، ۴، ۱۰، ۷)
		فرصت‌های سهل‌الوصول	به اشتراک نهادن احساسات با طرف مقابل (۵، ۴)، بدست آوردن فرصت آسان (۴) محیط‌های مجازی که امکان رابطه را تسهیل می‌کنند (۲، ۱۰، ۹، ۳)،
	سلب مسئولیت رفتار خود و تاکید برویگی‌های همسر	غلبه بر بازدارنده‌های درونی	غلبه بر عذاب وجدان (۹، ۱)، عبور از مرحله چانه زنی (۱۵، ۲، ۴، ۱، ۲، ۶)
نگهدارنده خیانت	کسب خلایقیت بسیار در بدست آوردن زمان برای رابطه و پنهان کردن آن	کشف راه‌های جدید	بروز خلایقیت در مدیریت رابطه (۲، ۱۰، ۶، ۱۱، ۱۲)، ادراک توانایی پنهان کاری (۲)
		عاطفه قوی	افزایش میل به ارتباط کلامی (۱۵، ۵، ۲، ۱۰، ۱۶، ۱۱)، تجربه کردن هیجان جنسی (۲، ۱۶، ۶، ۸، ۱)
	کسب شجاعت به خاطر کشف ویژگی‌های جدید در خود	خودیابی نوازش عاطفی	جذابیتهای پنهان کاری (۱۲، ۱۵، ۲، ۱۱)، بدست آوردن شجاعت (۱۰، ۶، ۱)، کشف ویژگی‌هایی که در رابطه اولیه نادیده گرفته شده است (۶، ۱۷) پذیرش نامشروط طرف مقابل (۱، ۳)، نوازش‌های عاطفی طرف مقابل (۴، ۲، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲)
پاسخ به خیانت	میل به طلاق	سست شدن دلبستگی به همسر	فرسایش عواطف مثبت نسبت به همسر (۵، ۱۳، ۸، ۱۱، ۱)، کاهش کیفیت همسر در مقابل رابطه جدید (۱۵، ۱۴، ۱۰، ۱۶، ۱۱، ۱۲، ۱)
		سست شدن تعهد به ازدواج	بالا رفتن میل به طلاق (۱۵، ۱۰، ۱)، احساس وفاداری به رابطه دوم به جای رابطه اصلی (۱۳، ۸، ۷، ۱)
	ترمیم آشیانه	مثلث سازی	کمک به حفظ رابطه اولیه (۵، ۱۰، ۹، ۱۶، ۸، ۷، ۱۱)
		سرزندگی	بالا رفتن اعتماد به نفس (۵، ۲، ۱۶، ۸، ۷، ۱۲)، افزایش هیجان مثبت در زندگی (۱۵، ۲، ۱۰، ۱۶، ۹، ۱۲، ۱، ۵، ۲، ۱۳، ۱۱، ۸، ۹، ۶، ۱)

طبقات	مقولات	مفاهیم	کدگذاری ثانویه
	تحمل فشار روانی	اهمیت دوسویه خانواده	نگرانی از آسیب دیدن فرزندان (۱۵، ۶، ۱۷)، ترس از رفتن آبروی خانواده اصلی (۵، ۱۴، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۹، ۱۷، ۱۱، ۱۲)،
		فرسایش تدریجی	دردسره‌های پنهان کردن رابطه (۱۵، ۵، ۴، ۱۳، ۱۱)، اشکال در مدیریت همزمان دو رابطه (۱۵، ۱۴، ۲، ۱۶، ۷، ۱۱)، حسادت نسبت به همسرطرف مقابل (۵، ۱۳، ۱۶، ۷)

### علل زمینه‌ساز خیانت

کسالت بار شدن زندگی بعد از کشف یک‌دیگر: یکی از علل شکل‌گیری رابطه فرازناشویی در مشارکت کنندگان این پژوهش گرفتار شدن زوجین در روزمرگی و از دست دادن فرصت با هم بودن بود. بسیاری از افراد درگیر در رابطه فرازناشویی برای فرار از دست این کسالت دست به رابطه فرازناشویی زده بودند: «ولی خب هرچی جلوتر رفتیم چون اختلافاتمون زیاد شد اون احساسی رو که می‌خواستم و اون چیزی رو که می‌خواستم از زندگی مشترک نمی‌گرفتم (مصاحبه اول)».

ضعف‌های ذاتی ازدواج. یکی دیگر از علل رابطه فرازناشویی ضعف‌های ذاتی خود ازدواج از زمان شروع تا زمان شکل‌گیری رابطه فرازناشویی بود این ضعف منجر به تعهد اندک به ازدواج می‌شد. این افراد در ازدواج‌های نامناسبی قرار گرفته بودند که از ابتدا آنها را گرفتار مشکل کرده بود: «ازدواج سنتی که من بعد از سه بار خواستگاری این آدم رو دیدم اصلاً علاقه‌ای بهش نداشتم خوب فکر کنید توی اوج دوست داشتن یه آدمی بخوای وارد یه رابطه دیگه بشی برات خیلی وحشتناکه من تا شب عقدم داشتم گریه می‌کردم می‌گفتم بابا من اینو دوست ندارم می‌گفت نه چون تو اونو دوست داری الان اینو دوست نداری بری تو زندگی علاقه بوجود می‌یاد (مصاحبه دهم)».

آسیب‌پذیری در زمان سرکوفته شدن نیاز جنسی یا عاطفی. بسیاری از افراد مشارکت



کننده در پژوهش بعد از یک دوره طولانی سرکوفته شدن نیازهای جنسی و عاطفی در مقابل روابط آسیب پذیر شده بودند و بعد از فراهم شدن فرصت به دلیل آسیب پذیری از این فرصت‌ها استقبال کرده بودند: «بیشتر و بیشتر شرم سرروابط جنسی بود چون من تا قبلش که خیلی رابطه خوبی نداشتم یعنی از ۶-۷ ماه قبلترش ما به خاطر بحث‌هایی که می‌کردیم اصلاً رابطه خوبی نداشتم از اونجا به بعدش هم صفر شد من نمی‌تونستم میگفتم نمی‌خوام (مصاحبه چهارم).»

تحول جامعه: برخی افراد به دلیل تجربیات قبل از ازدواج و یا نگرش‌هایی که داشتند مستعد درگیر شدن در این روابط بودند: «وقتی آدم وارد یه رابطه دومی میشه مطمئناً اون رابطه قبلی اوکی نبوده پس اون حس خوبه روتوی رابطه جنسی توی رابطه اولیه نگرفتی که رفتی وارد بعدی شدی شاید اصلاً توی رابطه اولی رابطه جنسی نباشه و کلاً وقتی وارد رابطه دوم شدی و خوشت نیومد می‌تونی راحت کاتش کنی، دست خودته پس اگر ادامه می‌دی پس حس جنسیم خیلی خوبه (مصاحبه نهم).»

### علل نگهدارنده خیانت

تمایل به تجربه کردن هیجان: یکی دیگر از علل شکل‌گیری رابطه فرازنایشویی تمایل افراد به تجربه کردن روابط تازه و نو بود. این افراد به نظر می‌رسد افراد هیجان‌خواهی هستند که تحمل زندگی کسالت بار را ندارند: «من نمی‌خوام تقصیر و گردن اون بندازم برای اینکه من آدمی‌ام که دوست دارم معشوقه باشم یعنی الان فهمیدم دوست ندارم همسر باشم، جنس من اینه (مصاحبه ششم).»

سلب مسئولیت رفتار خود و تاکید برویژگی‌های همسر: افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش بعد از شکل‌گیری رابطه، برای توجیه رفتار خود و ادامه دادن به رابطه، بر عذاب وجدان غلبه کرده و از مرحله چانه زنی عبور کردند و در نتیجه مسئولیت رفتارشان را متوجه همسرشان می‌کردند. در واقع در مورد اینکه همسرشان چگونه باید باشد ایده‌های

زیادی داشتند، اما در مورد اینکه رفتار خودشان چگونه باید باشد ایده‌ای نداشتند: «حس عذاب وجدان اول اون طرف قبلی رو تو ذهنش کاملاً می‌ذاره کنار یعنی همه جوهره باهاش رفتی همه جوهره باهاش امتحان کردی و وقتی مطمئن شدی که هیچ راهی نداره دیگه می‌ذاریش کنار و بعد دیگه وارد به رابطه دیگه‌ای میشی وقتی اینکارو می‌کنی پس قاعتا اون عذاب وجدانه هم پیش نمی‌یاد (مصاحبه نهم).»

کسب خلاقیت بسیار در بدست آوردن زمان برای رابطه و پنهان کردن آن: تجربه هیجان‌ناز جدیدی مانند هیجان جنسی و ارتباط کلامی مطلوب با طرف مقابل افراد را برای یافتن زمان برای با هم بودن و پنهان کردن رابطه خلاق کرده بود، نکته مهم این است که برای این خلاقیت نیاز به تلاش چندانی هم نداشتند «دقیقاً آدم رو خیلی خلاق می‌کنه ذهنت باز میشه الان برم این کلاس اسم بنویسم الان بگم مامانم حال نداره برم دو روز خونه مامانم بمونم که دو ساعت بیشتر حرف بزنم دعوی سوری راه بندازم یا رو دو روز نباشه من عشق و حال کنم اینقدر خلاق می‌شی و اینقدر راه فرار پیدا می‌کنی که تو زندگیه زناشویی محاله اینا به ذهنت برسه (مصاحبه یازدهم).»

کسب شجاعت به خاطر کشف ویژگی‌های جدید در خود. کشف ویژگی‌های تازه در رابطه جدید ضمن خلاق کردن افراد به آنها شجاعت می‌داد. به تجربیات افراد شرکت کننده توجه کنید: «خوب من بازم می‌گم این خال نداشتن عشقه وقتی اون توی زندگی متاهلی نیست جایی دیگه دنبالش می‌ری اون اون عشقه اون دوست داشتنه بهت جسارت می‌ده (مصاحبه دهم).»

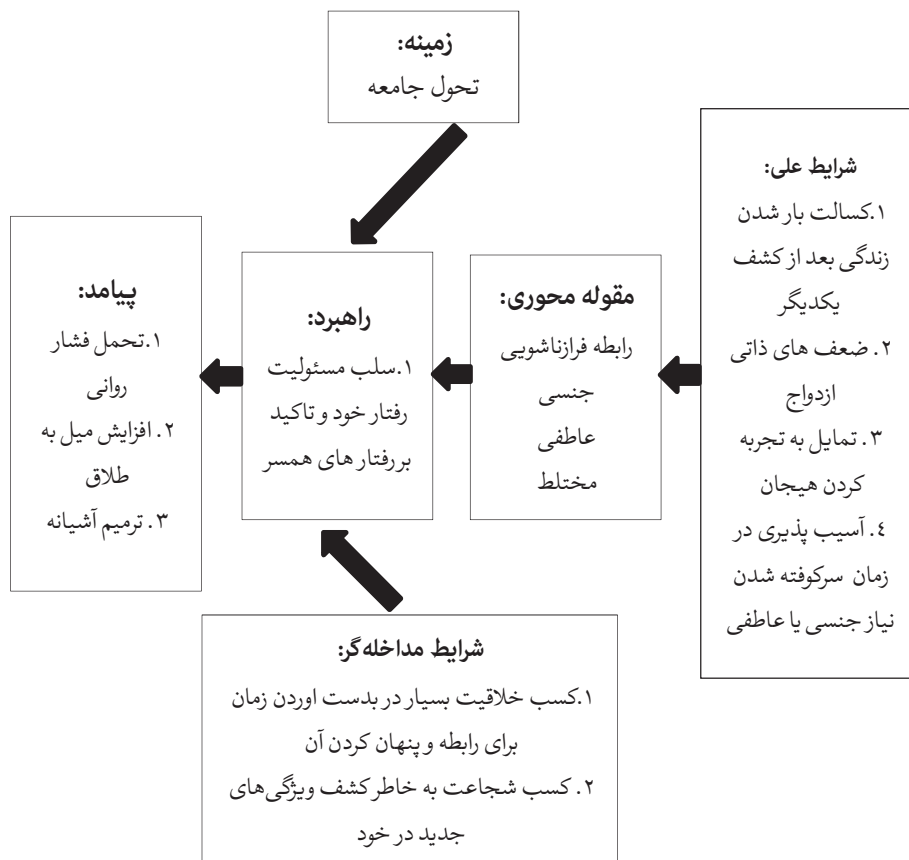
### پاسخ به خیانت

میل به طلاق: افراد درگیر در تجربه رابطه فرازناشویی دست به مقایسه همسر خود با نفر سوم می‌زدند، کاستی‌های همسر خود را با داشته‌های نفر سوم مقایسه کرده و احساس باخت می‌کردند «خیلی چیزها اول رابطه خوب خوبیشو اینا است بعد استرسش شروع

می‌شه شما که وارد رابطه می‌شی از شوهرت بدت میاد، مقایسه می‌کنی قیاس کردن خیلی بده (مصاحبه دوازدهم).»

ترمیم آشیانه: برخی از این روابط به کاهش تنش در رابطه اصلی کمک می‌کند و انگار این فرد برای ثبات بخشیدن به رابطه فراخوانده باشد. «خوب ببینید اون موقع که این آدم سوم نبود، وقتی که اون نبود همسر من آگه به وقتی به محبتی میکرد من خیلی به چشم نمی‌یومد چون من اینقدر عصبی و دلخور بودم از کارایی که کرده بود به چشم نمی‌ومد، ولی الان فکر می‌کنم چون من دارم به جای دیگه خالی می‌شم، و جایی دیگه حال خوبه آگه اون به لطفی به من میکنه به چشم خیلی میاد، و واسه خودم خیلی عجیبه (مصاحبه پنجم).»

تحمل فشار روانی. یکی دیگر از موارد مداخله‌کننده در رابطه فرازنشویی تحمل فشار روانی به خاطر نگرانی‌هایی بود که بعد از رابطه پیش می‌آمد این فشار برخی از افراد را فرسوده می‌کرد و به برخی دیگر اجازه لذت برده از رابطه را نمی‌داد، با این حال هیجان پنهانکاری را بالا برده و به حفظ آن کمک می‌کرد یکی از این فشارها به دلیل نگرانی از افشا و آسیب دیدن خانواده بود این نگرانی هم در مورد والدین، هم فرزندان و هم همسر وجود داشت. «خیلی حس خوبی تا زمانی که داریش کنارشی ولی از این ورم دیگه اون استرسه اذیت می‌کنه اینکه آخری نداره به کجا می‌رسی آگه توجدا بشی بعد ۴-۵ سال چی میشه این چراهای توی ذهن آدم رو خیلی اذیت می‌کنه اگر بفهمه شوهرت آگه اون بفهمه زندگی مون نابود میشه آگه بفهمن و این بره اون موقع من چکار کنم برای همین حتی مثلاً رفتم رو بردم به یکی دونه دیگه که شاید بتونم به اونا پناه ببرم اینو با این شرایط بزارمش کنار (مصاحبه سیزدهم).»



شکل ۱. مدل پارادایمی خیانت زناشویی بر اساس نظریه داده بنیاد

همانگونه که در مدل ترسیم شده در شکل ۱ مشاهده می شود پدیده مرکزی خیانت زناشویی است. همچنانکه در مدل ترسیم شده مشاهده می شود کسالت بار شدن زندگی بعد از اینکه زوجین یکدیگر را کشف می کنند، ضعف های ذاتی ازدواج، تمایل به تجربه کردن هیجان و در نهایت آسیب پذیری در زمانی که نیازهای جنسی و عاطفی افراد نادیده گرفته شده است افراد را به سمت خیانت زناشویی سوق می دهد. بعد از شکل گیری رابطه فرازناشویی افراد اقدام به سلب مسئولیت از رفتار خود می کردند و رفتار همسر خود را در شکل گیری خیانت برجسته می ساختند، که البته با کشف ویژگی هایی

که در رابطه اولیه آنها نادیده گرفته شده بود، خلاقیت آنها بالا رفته و راه‌های خلاقانه‌ای برای صرف کردن زمان با فرد سوم ابداع می‌کردند با این حال پنهان کردن رابطه فشاری روانی زیادی را تحمیل می‌کرد.

این اتفاقات در بستر تحولاتی روی می‌دهد که به نظر می‌رسد در کنترل خانواده نیست، و در نهایت خیانت زناشویی پیامدهایی هم به دنبال دارد که برخی نگهدارنده بیمار پگون ازدواج و برخی دیگر تخریب‌گرند است. کشف ویژگی‌هایی که در رابطه اولیه نادیده گرفته شده است، کمک به حفظ رابطه اولیه، بالا رفتن اعتماد به نفس، افزایش هیجان مثبت در زندگی پیامدهای مثبت روابط برای افراد درگیر است که این پیامدها اجازه خروج از رابطه را نمی‌دهند و در این پژوهش تحت عنوان ترمیم آشیانه دسته‌بندی شدند اما فرسایش عواطف مثبت نسبت به همسر، کاهش کیفیت همسر در مقابل رابطه جدید منجر به بالا رفتن میل به طلاق می‌شد، ضمن تحمیل فشار روانی به دلیل ترس از افشا و آسیب دیدن خانواده‌ها برای افراد درگیر فرساینده بود. بنابراین با ترسیم این مسیر خط سیر داستان خیانت زناشویی مشخص ترمی شود. در ادامه مقولات عمده یافت شده تحت عنوان دسته‌بندی‌های صورت گرفته گزارش شده است. این موارد عین گفته‌های مشارکت کنندگان در پژوهش فعلی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی علل خیانت زناشویی زنان و تبیین داده‌های حاصل از آن در قالب یک مدل مفهومی انجام گرفت. داستان کلی برآمده از کنکاش در داستان‌های فردی مشارکت کنندگان در این پژوهش حاوی ۱۱ مضمون بود که در سه مقوله عمده کاهش داده شد که عبارتند از شاخص‌های زمینه‌ساز، نگاه‌دارنده و در نهایت پاسخ دهنده به خیانت زناشویی. در پژوهش فعلی کسالت بار شدن زندگی بعد از کشف یکدیگر، ضعف‌های ذاتی ازدواج، آسیب پذیری در زمان سرکوفته شدن نیاز

جنسی یا عاطفی، ایجاد تحولاتی که در کنترل خانواده نیست در مقوله اصلی علل زمینه‌ساز خیانت زناشویی قرار گرفت. این مقوله‌ها با یافته‌های حبیبی عسکری آباد و حاجی حیدری (۱۳۹۴)، مصری پور و همکاران (۱۳۹۵)، گلاس و رایت (۱۹۸۵)، و دوبا، کنیزرواترو و لارا (۲۰۰۸) همراستا است.

گرفتار شدن زوجین در روزمرگی و از دست دادن جذابیت‌هایی که سابقاً برای همسران اهمیت داشت آنان را به سمت خیانت زناشویی سوق داده بود. پیتمن و ویجر (۲۰۰۵) و شینکمن و ورنک<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) هم بر این باورند که خیانت زناشویی نشانه کاستی‌هایی در روابط است و رابطه فرازناشویی در بافت روابط بد و کسل کننده روی می‌دهد. این نتایج را پژوهش گلاس و رایت (۱۹۸۵) هم تایید می‌کند. بسیاری از زنان درگیر در رابطه فرازناشویی برای فرار از دست این کسالت دست به رابطه فرازناشویی زده بودند. به نظر می‌رسد زوجین بعد از شناخت کامل یکدیگر، جذابیت خود را از دست می‌دهند، در نتیجه بسیاری از افراد برای اثبات جذابیت خود درگیر این روابط می‌شوند. علاوه بر این همسران این افراد همانند گذشته دیگر پاسخگوی عواطف رو به رشد آنها نبودند، و نیازهای همسران خود را نادیده می‌گرفتند، این غفلت به همراه فقدان مهارت‌های گفتگو کردن، زنان را در معرض رابطه با فرد دیگری قرار می‌داد تا ویژگی‌هایی که در رابطه اول نبود را دوباره احیا کنند.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز خیانت زناشویی وجود دوره طولانی سرکوفته شدن نیازهای جنسی و عاطفی بود. بسیاری از افراد مشارکت‌کننده در پژوهش بعد از یک دوره طولانی سرکوفته شدن نیازهای جنسی و عاطفی در مقابل روابط آسیب‌پذیر شده بودند و بعد از فراهم شدن فرصت به دلیل آسیب‌پذیری از این فرصت‌ها استقبال کرده بودند. برخی از پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد که شکل‌گیری نارضایتی و ناکامی جنسی طولانی مدت سبب شود که فرد ناکام شده، به دنبال شریک‌های جنسی با تجربه، پذیرا و

1. Scheinkman, M., & Werneck, D.

رضایت بخش‌تری باشد (باگاروزی، ۲۰۰۷). در پژوهش مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) هم یکی از دلایل خیانت زناشویی زنان نامناسب بودن روابط جنسی و عاطفی با همسرانشان بود. بسیاری از افراد مشارکت‌کننده در کمیت و کیفیت رابطه جنسی خود دچار مشکل بودند همسران آنها به این نیازها پاسخ‌های مناسبی نمی‌دادند و یا ادارک همسرانشان در مورد این رابطه انجام وظیفه از سوی همسرانشان بود در صورتی که زنان به دنبال روابط خود انگیزه بودند.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز خیانت تحول جامعه و یا وجود عواملی بود که چندان در کنترل خانواده و یا افراد نبود ولی زمینه را برای بروز روابط فزاینده‌ی همیا می‌ساخت. به عنوان مثال با گسترش استفاده از اینترنت، امکان گمنامی، آسودگی، و رهایی از محدودیت‌ها برای افراد امکان پذیر شده است (یانگ، گریفین-شلی، کوپر، اومارا، و بوچانان، ۲۰۰۷). محیط‌های مجازی امکان دسترسی آسان، بی‌نام و نشان بودن، و کنترل شرایط را فراهم کرده و افراد در این محیط‌ها از نظر روان‌شناختی احساس راحتی می‌کنند (مرکل، و ریچاردسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). پژوهش فینچام و می (۲۰۱۷) هم بر این عامل تاکید دارد و نشان می‌دهد که گسترش اینترنت باعث افزایش احتمال خیانت زناشویی شده است. در واقع افراد از این مجرا بیشتر برای پنهان کردن و تسهیل رابطه خود استفاده می‌کنند. عواملی از قبیل تجربه روابط قبل از ازدواج، سست شدن نگرش‌های مذهبی، نگرش قبل از رابطه، محیط‌های مجازی که امکان رابطه را تسهیل می‌کنند محصول دنیای مدرن امروزی است. حتی برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که از زنان از روابط فزاینده‌ی برای نشان دادن فردیت خود استفاده می‌کنند و ازدواج نمی‌تواند مانع از این رفتار شود (مودی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶). البته این فرض در مورد افرادی صحیح است که در زندگی زناشویی خود مشکلی ندارند و از نظر مادی هم وضعیت آنها مطلوب است (بلو و هارتنت، ۲۰۰۵). در صورتی که شاید در گذشته فرصت چنین رفتارهایی برای این زنان در

1. Merkle, E. R., & Richardson, R. A.

2. Moody.

دست نبود و تحول جامعه این فرصت‌ها را در اختیار آنها قرار داده است.

یکی دیگر از علل زمینه‌ساز رابطه فرازناشویی ضعف‌های ذاتی ازدواج از زمان شروع ازدواج تا زمان شکل‌گیری رابطه فرازناشویی بود. گلاس و رایت (۱۹۸۵) هم ضعف ازدواج را از دلایل انتقام از همسر به شکل خیانت زناشویی می‌دانند. جانفریو (۲۰۰۹) هم بر این نتایج تأکید دارد. این افراد در ازدواج‌های نامناسبی قرار گرفته بودند که از ابتدا آنها را گرفتار مشکل کرده بود. ضعف‌های ذاتی ازدواج باعث می‌شد که زنان همسران خود را چندان مطلوب ارزیابی نکنند و در نتیجه افرادی دیگری در نظر آنها قدرتمند می‌نمود، این تفاوت‌های شخصیتی که مشارکت‌کنندگان در پژوهش از آن به عنوان عدم فهم مشترک یاد می‌کردند زوجین را در معرض تعارض شدید قرار می‌داد و آنها در صدد انتقام از همسر خود بر می‌آمدند.

یکی از مقولات عمده یافت شده در پژوهش فعلی شاخص‌های نگهدارنده خیانت بود که به تداوم خیانت زناشویی کمک می‌کردند و عبارتند از تمایل به تجربه کردن هیجان، سلب مسئولیت رفتار خود و تأکید بر چگونه بودن همسر، کسب خلاقیت بسیار در بدست آوردن زمان برای رابطه و پنهان کردن آن، کسب شجاعت به خاطر کشف ویژگی‌های جدید در خود، این مقولات با نتایج یافت شده در پژوهش‌های مصری پور و همکاران (۲۰۱۶)، لالاسز، و ویگل<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، عیسی نژاد و باقری (۱۳۹۶)، نوسباوم و سیلیویا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) و مافوسا، موتانداوا، نیامارو، (۲۰۱۷)، مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) هماهنگ است.

همراستا با نتایج پژوهش مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) یکی دیگر از علل یافت شده در پژوهش فعلی تمایل افراد به تجربه کردن روابط تازه و نوبود. لالاسز، و ویگل (۲۰۱۱) هم بر این باورند که افرادی که در جستجوی تجارب نو و متنوع جنسی هستند، از مخاطرات جنسی اجتناب نمی‌کنند و بیشتر درگیر در روابط فرازناشویی می‌شوند. این افراد شرکای

1. Lalasz & Weigel.

2. Nusbaum, E. C., & Silvia, P. J.



جنسی بیشتری دارند و بیشتر به رفتارهای پرخطر جنسی دست می‌زنند و علاوه بر این نگرش‌های سهل‌گیرانه‌تری در مورد روابط فرازنشویی دارند (زاکرم، ۲۰۰۷). این افراد به نظر می‌رسد افراد هیجان‌خواهی هستند که تحمل زندگی کسالت بار را ندارند. برخی از زنان درگیر در رابطه فرازنشویی با وجود اینکه روابط مطلوبی با همسرانشان داشتند، اما میل به تفریح و به اشتراک نهادن احساسات با افراد دیگر و همچنین تجربه کردن هیجان آنها را به سمت شکل دادن رابطه فرازنشویی سوق داده بود.

بسیاری از افراد درگیر، هیجان‌ناشی را تجربه می‌کردند که مدت‌ها قبل در زندگی زنشویی آنها به فراموشی سپرده شده بود. بازداری زدایی (آرنت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲)، که افراد درگیر تجربه می‌کردند آنها را در رابطه فرازنشویی نگاه داشته و رابطه را تثبیت می‌کرد. برخی از پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد که زنان از نظریستی تمایل به صمیمیت و ارتباط دارند و نسبت به مردان عاطفی تر هستند (ژین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰)، این تمایل زنان را مستعد جستجوی تحریک عاطفی می‌سازد، بنابراین برای داشتن تجربیات اینچنینی اقدام به گشودن درهای رابطه می‌کنند (اندرسون و بوشمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). همچنین سرمایه‌گذاری عاطفی برای زنان دارای مولفه‌های عاشقانه و جنسی است وقتی زنان در این تجربیات شکست می‌خورند در معرض روابط فرازنشویی قرار می‌گیرند (مافوسا، و همکاران، ۲۰۱۷) تا این هیجان‌ناشی را با فرد دیگری تجربه کنند.

علاوه بر این افراد مشارکت‌کننده در این پژوهش برای توجیه رفتار خود و ادامه دادن به رابطه، بر عذاب وجدان خود غلبه کرده و از مرحله چانه زنی عبور می‌کردند. آنها برای این کار از خود سلب مسئولیت کرده و بر رفتار همسرشان تاکید می‌کردند. عیسی نژاد و باقری (۱۳۹۶) هم در پژوهش خود نشان دادند که افراد در راستای پیش برد خیانت زنشویی به دو شیوه عمل می‌کنند یا در باورها و نگرش‌های خود نسبت به قبل از رابطه

1. Arent.

2. Geen.

3. Anderson &amp; Bushman.

تغییر ایجاد می‌کنند و یا اینکه نارضایتی زناشویی را بهانه توجیه رفتار خود قرار می‌دهند. بعد از شکل‌گیری رابطه فرازناشویی به نظر می‌رسد افراد بی‌وفا در اوایل شکل‌گیری رابطه فرازناشویی در مرحله چانه زنی گیر کرده و فشار زیادی را تحمل می‌کنند، عذاب وجدان زیاد آنها را به سمت سلب مسئولیت رفتار خود و تاکید بر چگونگی رفتار همسر سوق می‌دهد. بنابراین این افراد بعد از این اتفاق به راحتی از مرحله چانه زنی و عذاب وجدان عبور کرده و با سلب مسئولیت، رفتار خود را تداوم می‌بخشند. به عبارت دیگر همسر خود را مسئول بوجود آمدن چنین شرایطی قلمداد می‌کنند.

کسب خلاقیت بسیار در بدست آوردن زمان برای رابطه و پنهان کردن آن هم یکی دیگر از عواملی بود که به تداوم خیانت کمک می‌کرد. تجربه هیجانانگیز جدیدی مانند هیجان جنسی و ارتباط کلامی مطلوب با طرف مقابل، افراد را برای یافتن زمان برای با هم بودن و پنهان کردن رابطه خلاق می‌کند، نکته مهم این است که برای این خلاقیت نیاز به تلاش شناختی چندانی هم نیست. به نظر می‌رسد افراد درگیر در تجربه رابطه فرازناشویی با تجربه کردن هیجانانگیز مثبت با بهبود عملکرد شناختی مواجه شده و برای خریدن زمان برای با هم بودن راهکارهای خلاقانه‌ای را می‌یابند که اگر از این راهکارهای در زندگی زناشویی خود استفاده می‌کردند شاید نیازی به برقراری این رابطه نداشتند. نوسبوم و سیلویا (۲۰۱۱) نیز بر این باورند که افراد در زمان گیرافتادن راهکارهای خلاقانه‌ای را می‌یابند همچنان که در پژوهش فعلی هم اینچنین بود.

کشف ویژگی‌های تازه در رابطه جدید هم به عنوان یکی از عوامل ضمن خلاق کردن افراد به آنها شجاعت می‌داد. این شجاعت به دلیل برهم خوردن تعادل بهر-هزینه در روابط بود. همانطور که گلاس و رایت (۱۹۸۵) در بررسی علل بی‌وفایی افراد به این موارد اشاره می‌کنند افراد در روابط فرازناشویی، احترام و شناخت، احساس جوانی، احساس درک شدن، تجربه همنشینی، ارتقا اعتماد به نفس و عزت نفس، و تحریک ذهنی را تجربه می‌کنند. این ویژگی‌ها خود افراد را گسترش می‌دهد، به دلیل اینکه بر مبنای مدل

گسترش خود افراد به منظور ارتقا خود و افزایش خودکارآمدی وارد رابطه می‌شوند و با ادغام دیگران در خود، منابع، دیدگاه‌ها و هویت شریک‌شان را از آن خود می‌بینند. آغاز گسترش خود با احساسات لذت و هیجان در ارتباط است (آرون، نورمن و آرون، ۲۰۰۱). در این فرایند ادامه دادن به فعالیت‌های اشتراکی تازه و چالش برانگیز، کیفیت و رضایت ارتباطی را افزایش می‌دهد، علاوه بر این خستگی و کسالت را خنثی می‌سازد (آرون و همکاران، ۲۰۰۱).

علاوه بر این همانند پژوهش گلاس و رایت (۱۹۸۵) در این پژوهش هم رابطه فرازناشوی اعتماد به نفس افراد درگیر را بالا برده بود. افراد درگیر در رابطه فرازناشویی در زندگی زناشویی خود تجربیاتی داشتند که اعتماد به نفس آنها را دچار فرسایش می‌کرد اما برخلاف رابطه زناشویی، رابطه فرازناشویی باعث رشد اعتماد به نفس این افراد شده بود. گلاس و رایت بر این عامل صحه گذاشته و بر این باورند که رابطه فرازناشویی باعث بالا رفتن اعتماد به نفس در افراد درگیر می‌شود. پژوهش باران اولادی (۱۳۹۵) هم نشان می‌دهد که رابطه فرازناشویی باعث بالا رفتن اعتماد به نفس در افراد درگیر می‌شود. نوازش‌های عاطفی و پذیرش نامشروطی که در روابط فرازناشویی وجود دارد افراد درگیر را نسبت به برخی از ویژگی‌های خود مطمئن می‌سازد. این عوامل دست به دست هم می‌داد و به حفظ ثبات رابطه زناشویی کمک می‌کرد. افراد نیازهایی که در رابطه فرازناشویی نادید گرفته می‌شد را با این رابطه پوشش داده و با آرامش و تا حدودی بی‌تفاوتی وارد زندگی زناشویی خود می‌شدند، رفتارهایی که پیش از این برای آنها آزاردهنده بود ناگهان اهمیت خود را از دست می‌دادند.

شکل‌گیری روابط فرازناشویی پیامدهایی را هم برای افراد درگیر در پی داشت که عبارت بودند از افزایش میل به طلاق، تحمل فشار روانی و ترمیم آشیانه یا کمک به حفظ زندگی زناشویی این مقولات همراستا یا یافته‌های پژوهش کارتر و مک گلدریک<sup>۱</sup>،

1. Aron, A., Norman, C. C., & Aron, E. N.

2. Carter & McGoldrick.

(۱۹۹۹)، آلن و همکاران (۲۰۰۵)، باکوم، و همکاران (۲۰۰۹) بلوو هارتنت (۲۰۰۵)، هال و فینچهام (۲۰۰۶)، و می و فینچهام<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) است.

یکی از نتایجی که خیانت زناشویی به دنبال داشت ترمیم آشیانه یا کمک به حفظ رابطه اصلی بود. مرور ادبیات پژوهش هم نشان می‌دهد وقتی که یک رابطه دو نفره تحت فشار است فرد سومی برای ثبات بخشیدن به رابطه فراخوانده می‌شود (کارتر و مک گلدریک، ۱۹۹۹). در این حالت به جای حل و فصل کردن مشکلات ارتباطی زوجین از طریق انحراف، رابطه را به ثبات می‌کشانند. حتی بعد از افشای خیانت زناشویی، مسائل ارتباطی همچنان پوشیده می‌ماند و توجه به جای موضوعات ارتباطی معطوف خیانت زناشویی می‌گردد (کارتر و مک گلدریک، ۱۹۹۹).

یکی دیگر از نتایج خیانت زناشویی افزایش میل به طلاق در افراد درگیر بود. افراد درگیر، از رابطه فرازناشویی با عنوان یک تسهیل‌گر برای رفتن به سمت طلاق استفاده می‌کردند. بررسی ادبیاتی که به مرور خیانت زناشویی پرداخته است نشان می‌دهد که تعیین درصد مشخصی از طلاق‌های بعد از خیانت زناشویی دشوار است. با این حال خیانت زناشویی خطر طلاق را ۲ تا ۳ برابر افزایش می‌دهد (باکوم، و همکاران، ۲۰۰۹؛ هال و فینچهام، ۲۰۰۶). یافته‌های جدیدتر حتی اثر چشمگیرتری هم نشان می‌دهند، این یافته‌ها خاطر نشان می‌کنند که داشتن سابقه روابط فرازناشویی شانس طلاق را تا ۴/۱ بار افزایش می‌دهد (آلن و اتکینز، ۲۰۱۲). افرادی که در رابطه فرازناشویی قرار می‌گیرند در صورت نامناسب بودن رابطه اصلی به سرعت به سمت طلاق پیش می‌روند به دلیل اینکه بسیاری از بازدارنده‌های طلاق در رابطه فرازناشویی رنگ می‌بازند (می و فینچهام، ۲۰۱۷).

یکی دیگر از موارد مداخله‌کننده در رابطه فرازناشویی تحمل فشار روانی به خاطر نگرانی‌هایی بود که بعد از رابطه پیش می‌آمد این فشار برخی از افراد را فرسوده می‌کرد و به

1. Myo Fincham.

برخی دیگر اجازه لذت بردن از رابطه را نمی‌داد، با این حال هیجان پنهانکاری را بالا برده و به حفظ آن کمک می‌کرد. نگرانی از آسیب دیده فرزندان، ترس از رفتن آبروی خانواده اصلی و خود فرد، افراد درگیر در تجربه رابطه فرزندناشویی را تحت فشار عدیده‌ای قرار می‌داد. در این زمینه ادبیات پژوهشی که بر این عامل تاکید کند یافت نشد. به نظر می‌رسد این عامل مولفه قدرتمندی در پایان دادن به روابط فرزندناشویی باشد. نکته جالب توجه در این عامل این است که افراد بیشتر از خود نگران آسیب دیدن وجهه خانواده اصلی خود هستند و نگرانی نسبت به فرزندان در اولویت‌های بعدی آنها قرار دارد، و همسر در این اولویت بندی در رتبه آخر قرار می‌گیرد.

هیچ فردی تنها به خاطر یک دلیل دست به خیانت زناشویی نمی‌زند به خصوص زنان برای عبور از خط و وارد شدن به رابطه فرزندناشویی با دشواری‌های بسیاری در بیرون و درون خود مواجه هستند اما وقتی چند عامل در کنار هم قرار گرفته و با هم تعامل می‌کنند افراد برای عبور از خط مستعد شده و یک رویداد تنها ممکن است فقط به صورت ماشه چکان عمل کرده و آنها را برای عبور از خط تشویق کند.

به نظر می‌رسد برنامه‌های غنی‌سازی پیش از ازدواج می‌تواند به هشیاری افزایشی زوجین در این زمینه کمک کند، و در نهایت انجام مشاوره‌های منظم و حل مشکلات ارتباطی و نوسازی ازدواج ممکن است افراد را از جذب شدن در ایده خیانت زناشویی دور کند. البته برای اظهار نظر دقیق‌تر در این زمینه نیاز به پژوهش‌های بیشتری است.

از آنجایی که پژوهش کیفی ادعایی در مورد تعمیم نتایج خود ندارد، و تا حد بسیار زیادی وابسته به پژوهشگر است لذا این عامل تعمیم نتایج آن را با دشواری مواجه می‌سازد. علاوه بر این در مسئله محرمانه‌ای مانند خیانت زناشویی به خصوص در زنان یافتن افرادی که حاضر به همکاری باشند دشوار است، به همین دلیل ممکن است افراد همکاری کننده در این پژوهش افراد متهوری باشند که چندان نگران وجهه خود نیستند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده خیانت جنسی از عاطفی تفکیک و در طبقات

مختلف اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- استرواس، ا.، کوربین، ج. (۱۹۹۰). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۰). تهران: نی.
- باران اولادی، صادق. (۱۳۹۵). واکاوی زمینه‌های خیانت زناشویی مردان و مقایسه تاثیر مشاوره فردی (بازن و مرد) و مشاوره زوجی بر میل به خیانت زناشویی، میل به طلاق و کیفیت رابطه زناشویی. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۹). روش تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: دیدار.
- پلوسو، پاول، آر. (۲۰۰۷). خیانت زناشویی راهنمایی کار با زوجین در بحران ترجمه باران اولادی ربیعی و کاوه (۱۳۹۵). تهران: تایماز.
- جزایری، رضوان، شریفی، مرضیه. (۱۳۹۰). مقایسه میزان همسرآزاری عاطفی و ادراک حمایت اجتماعی در بیماران مبتلا به سردردهای تنشی مزمن و میگردن با افراد سالم. پزشکی قانونی، ۱۷ (۲)، ۹۴-۸۷.
- حبیبی عسکرآباد، مجتبی، حاجی حیدری، زهرا. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده: مطالعه کیفی. خانواده پژوهی، ۱۱ (۲)، ۱۵۶-۱۸۶.
- حیدری، حکیمه، فاتحی زاده، مریم، اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۸). پیش‌بینی عهد شکنی زناشویی. تازه‌های روان‌درمانی، ۵۲ (۵۱)، ۱۲۷-۱۱۵.
- دانایی فرد، حسن، امامی، مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی، تاملی بر نظریه پردازی داده‌ها بنیاد. مجله مدیریت، ۱ (۲)، ۶۹-۹۶.
- رفیعی، سحر، حاتمی، ابوالفضل، فروغی، علی اکبر. (۱۳۹۰). رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی. جامعه شناسی زنان، ۱ (۵)، ۲۱-۳۶.
- زندی پور، طیبه، شفیعی نیا، اعظم، حسینی، فاطمه. (۱۳۸۷). رابطه بخشش خیانت زناشویی همسر و سلامت روان در زنان متأهل. پژوهش‌های مشاوره، ۲۸ (۷)، ۶۶-۵۳.
- طباطبایی، امیر، حسنی، پرخیده، مرتضی، حامد، طباطبایی چهر، محبوبه. (۱۳۹۲). راهبردهایی برای ارتقا دقت علمی در تحقیقات کیفی. مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، ۵ (۳)، ۶۶۳-۶۶۷.
- عیسی نژاد، امید، باقری، آرزو. (۱۳۹۶). پدیدارشناسی روش‌های توجیه خیانت زناشویی: سازوکارهای رویارویی با ناهماهنگی شناختی در روابط فرازناشویی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲ (۲۲)، ۱۸۸-۲۰۷.
- محمد پور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش. تهران: جامعه شناسان.
- نوایی، جعفر، محمدی آریا، علی رضا. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با توجیه روابط فرازناشویی در میان افراد متأهل. فصلنامه روان پرستاری، ۴ (۱۲)، ۱۸-۲۷.

- Adler, A. (1927). *Understanding human nature*. Robinsdale, MN: Fawcett Premier Books.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2012). The association of divorce and extramarital sex in a representative US sample. *Journal of Family Issues*, 33 (11), 1477-1493.
- Allen, E. S., & Baucom, D. H. (2004). Adult attachment and patterns of extradyadic involvement. *Family Process*, 43 (4), 467-488.
- Allen, E. S., Atkins, D. C., Baucom, D. H., Snyder, D. K., Gordon, K. C., & Glass, S. P. (2005). Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 12 (2), 101-130.
- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Markman, H. J., Williams, T., Melton, J., & Clements, M. L. (2008). Premarital precursors of marital infidelity. *Family process*, 47 (2), 243-259.
- Allen, G., Duncombe, J., Harrison, K., & Marsden, D. (Eds.). (2004). *The state of affairs: Explorations in infidelity and commitment*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Amato, P. R., & Rogers, S. J. (1997). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and the Family*, 612-624.
- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Annual review of psychology*, 53.
- Arent, S. P., & Wright, T. L. (1992). Justifications for extramarital relationships: The association between attitudes, behaviors, and gender. *Journal of sex Research*, 29(3), 361-387.
- Aron, A., Norman, C. C., & Aron, E. N. (2001). Shared self-expanding activities as a means of maintaining and enhancing close romantic relationships. *Close romantic relationships: Maintenance and enhancement*, 47-66.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: correlates in a national random sample. *Journal of family psychology*, 15 (4), 735.
- Auslander, B. A., & Rosenthal, S. L. (2010). Intimate romantic relationships in young adulthood: A biodevelopmental perspective. *Young adult mental health*, 158-168.
- Bagarozzi Sr, D. A. (2007). Understanding and treating marital infidelity: A multidimensional model. *The American Journal of Family Therapy*, 36 (1), 1-17.
- Baucom, D. H., Snyder, D. K., & Gordon, K. C. (2009). *Helping couples get past the affair: A clinician's guide*. New York: Guilford.
- Blow, A. & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships II: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31 (2), 217-234.
- Blow, A. & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships II: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31 (2), 217-234.
- Britzman, M. J., & Sauerheber, J. D. (2014). Preparing Couples for an Enriched Marriage A Model in Individual Psychology. *The Family Journal*, 22 (4), 428-436.

- Buss, D. M., & Schmitt, D. P. (1993). Sexual strategies theory: An evolutionary perspective on human mating. *Psychological Review*, 100, 204–232.
- Cano, A. & O’leary, K.D. (2000). Infidelity and separations precipitate major depressive episodes and symptoms of non specific depression and anxiety. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 68, 774–781.
- Carter, B., & McGoldrick, T. (1999). *The expanded family life cycle: Individual, family and social perspectives* (3rd ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Charny, I. W., & Parnass, S. (1995). The impact of extramarital relationships on the continuation of marriages. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 21 (2), 100-115.
- Cooper, A., McLoughlin, I. P., & Campbell, K. M. (2000). Sexuality in cyberspace: Update for the 21st century. *CyberPsychology & Behavior*, 3 (4), 521-536.
- Duba, J. D., Kindsvatter, A., & Lara, T. (2008). Treating infidelity: Considering narratives of attachment. *The Family Journal*, 16 (4), 293-299.
- Esterberg, K. G. (2002). *Qualitative Methods in Social Research*. Boston: McGraw Hill.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74.
- Geen, R. G. (1990). *Human aggression*. E. D. Donnerstein (Ed.). Milton Keynes: Open University Press.
- Glass, S. P. (2003). Not “just friends”: Protect your relationship from infidelity an heal the trauma of betrayal. New York, NY: Free Press.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1985). Sex differences in type of extramarital involvement and marital dissatisfaction. *Sex Roles*, 12, 1101-1120.
- Glass, S. P., & Wright, T. L. (1992). Justifications for extramarital relationships: The association between attitudes, behaviors, and gender. *Journal of sex Research*, 29 (3), 361-387.
- Gordon, K. C., & Baucom, D. H. (1999). A multitheoretical intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 6 (4), 382-399.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30 (2), 213-231.
- Greeley, A. (1994). Marital infidelity. *Society*, 31 (4), 9-13.
- Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2006a). Relationship dissolution following infidelity. In M. A. Fine & J. H. Harvey (Eds.), *Handbook of divorce and relationship dissolution* (pp. 153-168). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Jeanfreau, M. M. (2009). *A qualitative study investigating the decision-making process of women’s participation in marital infidelity* (Doctoral dissertation,



- Kansas state university).
- Johnson, C. A., Stanley, S. M., Glenn, N. D., Amato, P. R., Nock, S. L., Markman, H. J., & Dion, M. R. (2002). Marriage in Oklahoma: 2001 baseline statewide survey on marriage and divorce. *Bureau for Social research, Oklahoma State University*.
  - Killawi, A., Fathi, E., Dadras, I., Daneshpour, M., Elmi, A., & Altalib, H. (2017). Perceptions and Experiences of Marriage Preparation Among US Muslims: Multiple Voices from the Community. *Journal of Marital and Family Therapy*.
  - Kröger, C., Reißner, T., Vasterling, I., Schütz, K., & Kliem, S. (2012). Therapy for couples after an affair: A randomized-controlled trial. *Behaviour research and therapy*, 50 (12), 786-796.
  - Lalasz, C. B., & Weigel, D. J. (2011). Understanding the relationship between gender and extradyadic relations: The mediating role of sensation seeking on intentions to engage in sexual infidelity. *Personality and Individual Differences*, 50 (7), 1079-1083.
  - Luo, S., Cartun, M. A., & Snider, A. G. (2010). Assessing extradyadic behavior: A review, a new measure, and two new models. *Personality and Individual Differences*, 49, 155-163.
  - Maphosa, S., Mutandwa, P., & Nyamayaro, A. T. (2017). Infidelity Appetite: Psychological Factors Influencing Married Women to Engage in Extra-marital Affairs. *International Journal of Innovative Research and Development* | ISSN 2278-0211, 6 (1).
  - Maphosa, S., Mutandwa, P., & Nyamayaro, A. T. (2017). Infidelity Appetite: Psychological Factors Influencing Married Women to Engage in Extra-marital Affairs. *International Journal of Innovative Research and Development* | ISSN 2278-0211, 6 (1).
  - Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, 40 (5), 971-982.
  - Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, 40 (5), 971-982.
  - Merkle, E. R., & Richardson, R. A. (2000). Digital dating and virtual relating: Conceptualizing computer mediated romantic relationships. *Family Relations*, 49 (2), 187-192.
  - Messripour, S., Etemadi, O., Ahmadi, S. A., & Jazayeri, R. (2016). Analysis of the Reasons for Infidelity in Women with Extra-marital Relationships: A Qualitative Study. *Modern Applied Science*, 10 (5), 151.
  - Millet, K. (2000). Theory of sexual politics. *Radical Feminism. A documentary reader*, 122-153.
  - Moody, R. (2016). *Life after life*. Random House.
  - Morrison, L., Guruge, S., & Snarr, K. A. (1999). Sri Lankan Tamil immigrants in Toronto: Gender, marriage patterns, and sexuality. *Gender and immigration*,

- 144-162.
- Munsch, C. L. (2012). The Science of Two-Timing: The State of Infidelity Research. *Sociology Compass*, 6 (1), 46-59.
  - Nusbaum, E. C., & Silvia, P. J. (2011a). Are openness and intellect distinct aspects of openness to experience? A test of the O/I model. *Personality and Individual Differences*, 51, 571-574.
  - Olmstead, S. B., Blick, R. W., & Mills, L. I. (2009). Helping couples work toward the forgiveness of marital infidelity: Therapists' perspectives. *The American Journal of Family Therapy*, 37 (1), 48-66.
  - Ortman, D. C. (2005). Post-infidelity stress disorder. *Journal of psychosocial nursing and mental health services*, 43 (10), 46.
  - Petersen, J. L., & Hyde, J. S. (2010). A meta-analytic review of research on gender differences in sexuality, 1993-2007. *Psychological Bulletin*, 136, 21-38.
  - Pittman, F. S., & Wagers, T. P. (2005). Teaching fidelity. *Journal of clinical psychology*, 61 (11), 1407-1419.
  - Previti, D., & Amato, P. R. (2004). Is infidelity a cause or a consequence of poor marital quality?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21 (2), 217-230.
  - Prins, K. S., Buunk, B. P., & Van Yperen, N. W. (1993). Equity, normative disapproval and extramarital relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 10, 39-53.
  - Scheinkman, M., & Werneck, D. (2010). Disarming jealousy in couples relationships: A multidimensional approach. *Family process*, 49 (4), 486-502.
  - Smith, T. (2006). American sexual behavior: Trends, socio-demographic differences, and risk behavior (GSS Topical Report No. 25). Chicago: *National Opinion Research Center*.
  - Soons, J. P., & Liefbroer, A. C. (2008). Together is better? Effects of relationship status and resources on young adults' well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25 (4), 603-624.
  - Spanier, G. B., & Margolis, R. L. (1983). Marital separation and extramarital sexual behavior. *Journal of Sex Research*, 19 (1), 23-48.
  - Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*, 62 (1), 48-60.
  - Weeks, G. R., Gambescia, N. & Jenkins R. E. (2003) *Treating Infidelity: Therapeutic Dilemmas and Effective Strategies*. New York: W.W. Norton.
  - Whisman, M. A., & Bruce, M. L. (1999). Marital dissatisfaction and incidence of major depressive episode in a community sample. *Journal of abnormal psychology*, 108 (4), 674.
  - Wiederman, M. W., & Allgeier, E. R. (1996). Expectations and attributions regarding extramarital sex among young married individuals. *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 8 (3), 21-35.
  - Worthington, E. L. (1998). An empathy-humility-commitment model of forgiveness applied within family dyads. *Journal of Family Therapy*, 20, 59-76.
  - Yeniceri, Z., & Kökdemir, D. (2006). UNIVERSITY

STUDENTS' PERCEPTIONS OF, AND EXPLANATIONS FOR, INFIDELITY: THE DEVELOPMENT OF THE INFIDELITY QUESTIONNAIRE (INFQ). *Social Behavior and Personality: an international journal*, 34 (6), 639-650.

- Young, K. S., Griffin-Shelley, E., Cooper, A., O'mara, J., & Buchanan, J. (2000). Online infidelity: A new dimension in couple relationships with implications for evaluation and treatment. *Sexual Addiction & Compulsivity: The Journal of Treatment and Prevention*, 7 (1-2), 59-74.
- Zuckerman, M. (1979). The sensation seeking motive. In B. Maher (Ed.). *Progress in experimental personality research* (Vol. 7). New York: Academic Press.
- Zuckerman, M. (2007). *Sensation Seeking and Risky Driving, Sports, and Vocations*.